

★ Flashbook Series ★



# ضرب المثل انگلیسی آمریکایی

تألیف: عبدالله قنبری

مدرس زبان انگلیسی دانشگاه تهران

شامل:

- ۱۰۱ ضرب المثل مشهور آمریکایی همراه با معادل‌های دقیق فارسی
- توضیح در مورد کاربرد هر ضرب المثل
- معادل‌های انگلیسی هر ضرب المثل
- فهرست راهنمای ضرب المثل‌ها
- خودآزمایی



# ١٠١ ضرب المثل

إنجليسي أمريكي

تأليف: عبدالله قنبرى

٢٠١٤  
٢٠١٤



---

*American English*  
**Proverbs**

*Abdollah Ghanbari*  
Tehran University Instructor



# 101

## ضرب المثل انگلیسی آمریکایی

### American English Proverbs



#### شامل:

- ✓ ۱۰۱ ضرب المثل مشهور آمریکایی همراه با معادل‌های دقیق فارسی
- ✓ توضیح در مورد کاربرد هر ضرب المثل
- ✓ معادل‌های انگلیسی هر ضرب المثل
- ✓ فهرست راهنمای ضرب المثل‌ها
- ✓ خودآزمایی

تألیف: عبدالله قنبری

«مدرس زبان انگلیسی دانشگاه تهران»

## به نام خدا

### مقدمه

دوسستان عزیز:

ورود شما را به دوره‌ی آموزشی ۱۰۱ خوش‌آمد می‌گوییم و امیدوارم از هم اکنون همراه خوبی در راه رسیدن به هدف آموزشی زبان انگلیسی شما باشیم. این مجموعه که بیش از ۶۰ جلد است، تمام مباحث آموزشی زبان انگلیسی را در بر می‌گیرد، لذا هر زبان‌آموز با توجه به علاقه و نیاز خود می‌تواند مبحث آموزشی مورد نظر خود را انتخاب کند.

در مورد ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- آموزش مطالب به صورت متنوع و جذاب
- بیان مطالب آموزشی به صورت ساده و مفید
- انتقال مفاهیم آموزشی به صورت سریع و کاربردی
- خودآزمایی از مباحث آموزشی

اینک شما را با خصوصیات دوره‌ی آموزشی ۱۰۱ ضربالمثل انگلیسی آمریکایی آشنا می‌سازم. این مجموعه بر اساس کتاب "American English Proverbs" ۱۰۱ تألیف «هری کولیس» تدوین شده است.

در تألیف این مجموعه فقط به منبع فوق اکتفا نشده است و برای غنی‌تر شدن مطالب موارد زیر اضافه شده است.

① این کتاب در ده بخش ارائه شده است.

② در پایان هر بخش یک خودآزمایی ارائه شده است.

③ بعد از هر ضربالمثل انگلیسی معادل فارسی آن ذکر شده است.

④ هر جا لازم بوده شکل مترادف ضربالمثل انگلیسی و فارسی آمده است.

⑤ برای درک بهتر معانی ضربالمثل‌های انگلیسی، لغات کلیدی مربوط به ضربالمثل‌ها در پایان هر بخش ذکر شده است.

## فهرست مطالب

### صفحه

<u>عنوان</u>	
۷ ..... بخش ۱	
۲۴ ..... بخش ۲	
۳۸ ..... بخش ۳	
۵۲ ..... بخش ۴	
۶۷ ..... بخش ۵	
۸۰ ..... بخش ۶	
۹۳ ..... بخش ۷	
۱۰۵ ..... بخش ۸	
۱۱۷ ..... بخش ۹	
۱۳۱ ..... بخش ۱۰	
۱۴۶ ..... ضمیمه ۱: آموزش علائم فوتیک	
۱۵۰ ..... ضمیمه ۲: فهرست راهنمای ضربالمثلها	
۱۵۵ ..... منابع و مأخذ	
۱۵۶ ..... معرفی کتاب	

۶ علاوه بر ضربالمثل، اصطلاحات و تغییراتی که ارتباطی نزدیک با ضربالمثل دارند، مورد استفاده قرار گرفته است.

۷ بعد از علامت  توضیحات مترجم در مورد کاربرد ضربالمثل آمده است.  
با تشکر ویژه از جناب آقای مجتبی سجاد مدیر محترم انتشارات جنگل، شایسته است از پسر عزیزم مهندس آرش قنبری به خاطر ارائه پیشنهادات سودمند و از خانم معصومه امینی به خاطر نمونهخوانی و ویرایش سپاسگزاری نمایم. همچنین از خانم سحرخداوری به خاطر حروفچینی و صفحهآرایی این مجموعه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در خاتمه امید است که با این کار، توفيق انجام وظیفه خود را در قبال شیفتگان زبان انگلیسی و دانشجویان راه علم داشته باشم.



با آرزوی موفقیت

عبدالله قبری

## UNIT 1      بخش یک

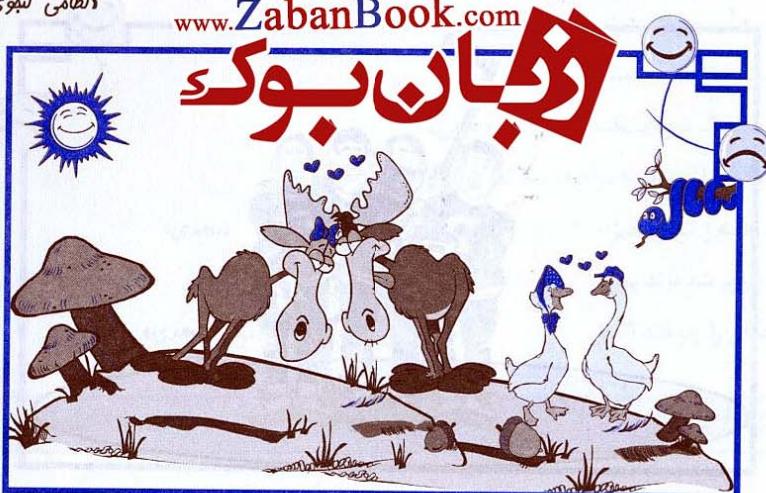
### 1. Birds of a feather flock together.

کند هم جنس با هم جنس پرواز

(نظامی کنبوی)

کبوتر با کبوتر باز با باز

[www.ZabanBook.com](http://www.ZabanBook.com)



(people of the same type seem to gather together)

افرادی که دارای خصوصیات اخلاقی مشابه‌ای هستند، با هم معاشرت می‌کنند.

#### ضرب المثل‌های مشابه انگلیسی

- The goose goes with geese.
- Each sheep with his flock.
- Like likes like.

#### ضرب المثل‌های مشابه فارسی

جنس خود را همچو کاه و کهر باست (مولوی)

ذره ذره کاندرین ارض و سماست

● کور کور رامی جوید آب گودال را.

● هلیله با هلیله قند با قند.

● جاذب هر جنس را هم جنس دان.

● کبوتر با کبوتر، فیل با فیل.

## اختصارات انگلیسی

فارسی	انگلیسی	نشانه
صفت	adjective	adj
قید	adverb	adv
انگلیسی آمریکایی	American English	Am E
حرف تعریف	article	art
فعل کمکی	auxiliary verb	aux v
انگلیسی بریتانیایی	British English	Br E
حرف ربط	conjunction	conj
تعریف	definition	def
صوت یا عبارت تعجبی	interjection	int
اسم	noun	n
متضاد	opposite	opp
زمان گذشته	past	p
وجه وصفی	participle	part
جمع	plural	pl
اسم مفعول	past participle	pp
پیشوند	prefix	pref
حرف اضافه	preposition	prep
(زمان) حال	present	pres
وجه وصفی حال	present participle	pres p
ضمیر	pronoun	pron
موصول	relative	rel
متراffد	synonym	syn
ایالات متحده	United States	US
فعل	verb	v
و	and	&
یا	or	/

## ضرب المثل های مشابه فارسی

- اتحاد موجب قوت است.
  - آتش از آتش گل می کند.
  - آب به آب می خورد زور بر می دارد.
  - دست خدا با جماعت است.
  - دو دل یک شود بشکند کوه را. **(نظمانی)**
  - آنها دو نفر بودند همراه، ما صد نفر بودیم تنها!
- بی دولتی از اتفاق خیزد **(سعده)**  
 با همه تنید و صلابت که اوست  
 شیر ژیان را بدرانند پوست **(سعده)**
- دولت همه ز اتفاق خیزد  
 پشه چو پر شد بزند پیل را  
 مورچگان را چو فتد اتفاق

## Break Time

## زنگ تفريح

- to have something up one's sleeve

کاسه ای زیر نیم کاسه بودن

سری در پشت پرده وجود داشتن، راز مهمی در کار بودن، حقایق و تزویری در پشت پردهی کار بودن.

- One good turn deserves another.

کاسه جایی رود که باز آرد قرح.

هدیه را به کسی می دهند که در آینده به جای آن هدیه می مهمتری باز دهد.

- He is on top of the ladder.

ککش خروس می خواند.

شنگول و شاد و سرحال است. سردماغ است. در کار خود موفق است.

- to scrape the bottom of the barrel

کفگیر به ته دیگ خوردن (کفگیرش به ته دیگ خورده)

از هستی ساقط شده، چنته اش خالی شده است، ثروتش ته کشیده.

## 2. In unity there is strength.

یک دست صدا ندارد.

www.ZabanBook.com

# زبان بوک



(a group of people with the same goals can accomplish more than individuals can)

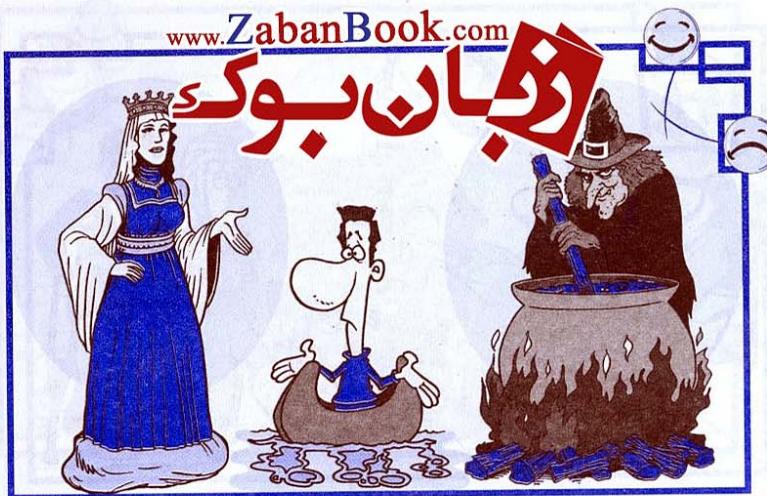
با اتحاد و همبستگی است که می توان به مقصود رسید.

## ضرب المثل های مشابه انگلیسی

- Many hands make light work.
- There is safety in numbers.
- Union is strength.
- Water meets water and gathers strength.

#### 4. A man is known by the company he keeps.

بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی.



(a person is believed to be like the people with whom he or she spends time)

هر کسی را می‌توان از طریق دوستان و افراد پیرامونش شناخت.

ضرب المثل‌های مشابه انگلیسی

- A man is known by his friends.
- One reflects the company he keeps.
- Tell me the company you keep, and I'll tell you what you are.

ضرب المثل‌های مشابه فارسی

بگو باکی معاشرت می‌کنی تا بگویم کیستی.

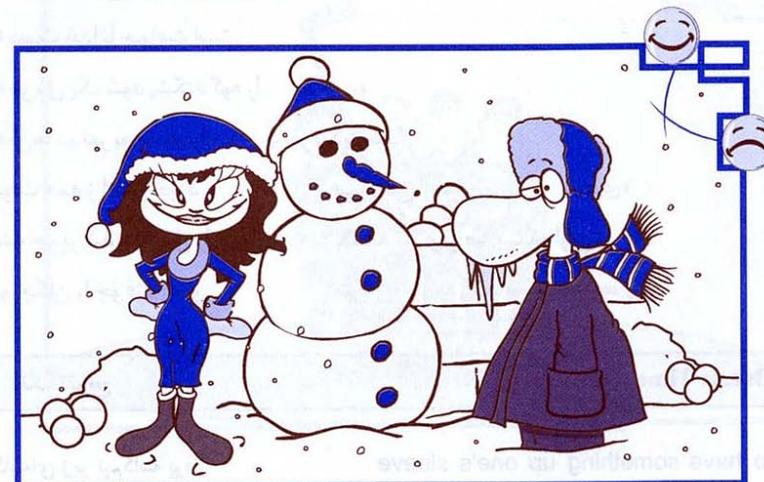
کمال همنشین در من اثر کرد.

من آنگه بگویم که تو کیستی

تو اول بگو باکیان دوستی

#### 3. It takes two to tango.

در یک کار گروهی دو نفره، هر دو نفر در قبال موفقیت و یا شکست مسئولند.



(when two people work as a team, they are both responsible for the team's successes and failures)

وقتی دو نفر با هم کار می‌کنند، هر دوی آن‌ها در موفقیت‌ها و شکست‌ها مسئول هستند.

## 6. There's no place like home.

هیچ جا، خانه‌ی خود آدم نمی‌شود.



(a person is happiest with his or her family and friends)

انسان در کنار فامیل و دوستانش بیشتر احساس شادی می‌کند.

**ضرب المثل‌های مشابه انگلیسی**

- East, west, home's best.

- (There's) no place like home.

**ضرب المثل‌های مشابه فارسی**

- خاک وطن از ملک سلیمان خوشترا.

- هیچ جا وطن آدم نمی‌شود.

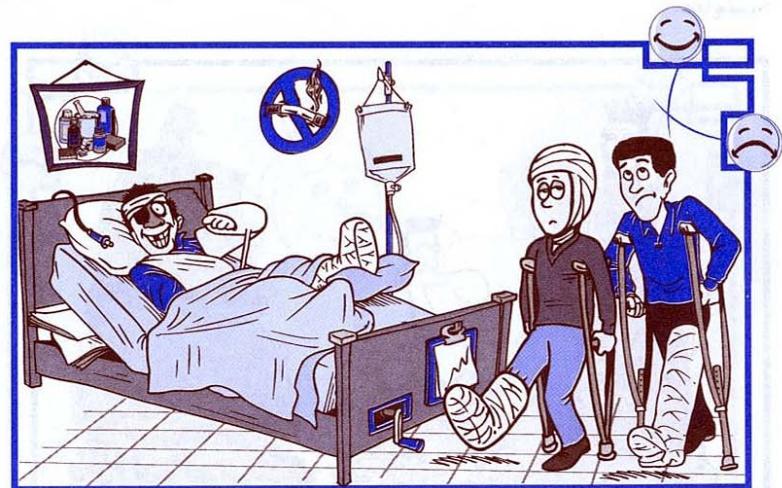
- حب الوطن مبنی الايمان.

در سفر، گر «روم» بینی یا «ختن»، از دل توکی رود حب الوطن

«مولوی»

## 5. Misery loves company.

خرمن سوخته، همه را خرمن سوخته خواهد.



(unhappy people often get satisfaction from having others share their misery)

مصیبت‌زده همه را مثل خود مصیبت‌زده خواهد.

**ضرب المثل‌های مشابه انگلیسی**

- A company in distress makes sorrowless.

- A fox without tail wants others too without.

**ضرب المثل‌های مشابه فارسی**

«مولوی»

می نخواهد شمع کس افروخته

● ز آنکه هر بدبخت سوخته

## ضرب المثل‌های مشابه فارسی

- ماماکه دو تا شد سر بچه کج درمی‌آید.
  - وقتی همه کدخدا باشند، خانه ویران می‌شود.
  - خانه‌ای را که دو کدبانوست، خاک تا زانوست.
  - آب‌انبار شلوغ، کوزه بسیار می‌شکند.
  - ناخداکه دو تا شد کشتی به گل می‌نشینند.
- خردمند گوید که در یک سرای چون فرمان، دو گردد نماند به جای

«فردوسن»

## Break Time

## زنگ تقریح

- His tongue runs on wheels.

کله گنجشک خورده است.

- بسیار پرحرف و یاوه‌گو است. مثال: مگر کله گنجشک خورده‌ای که این همه حرف می‌زنی؟

- to blow one's own trumpet

قپیز در کردن.

- لاف زدن؛ خودنمایی کردن.

- to make merry

قد توی دلش آب شدن (یا آب انداختن).

- به شدت خوشحال شدن، خاطر خوش و مسرت‌بخش یافتن.

- to have at one's fingers' ends

فوت آب بودن.

- مطلبی را کاملاً از بر داشتن.

- absolutely / totally disproportionate.

فیل و فنجان

- نظیر دو شکل نابرابر و دو چیز غیرقابل قیاس.

## 7. Too many cooks spoil the broth.

آشپز که دو تا شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.



(too many people trying to take care of something can ruin it)

در کاری که افراد زیادی دخالت کنند، آن کار خراب خواهد شد.

## ضرب المثل‌های مشابه انگلیسی

- Two captains sink the ship.
- Two cats and a mouse, two wives in one house, two dogs and a bone, never agree in one.
- Too many hands in the pot make poor soup.
- Too many hands spoil the pie.

## ضرب المثل های مشابه فارسی

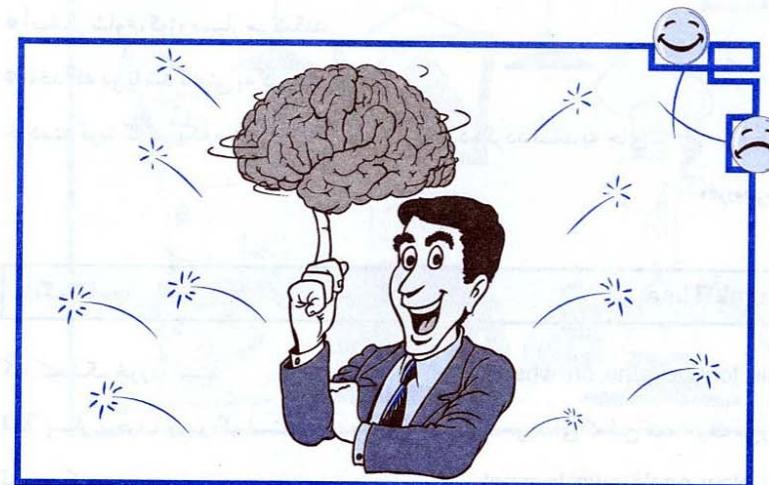
- هر کله ای عقلی دارد.
  - دو تا کله بهتر از یک کله کار می کند.
  - عقل را عقل قوت دهد.
  - سه کله بهتر از یک کله.
  - اول استشارة و آنگه استخاره.
  - رأی دو کس نه یک کس باشد. **(قابوسنامه)**
  - هر سری عقلی دارد.
- عقلها را عقلها یاری دهد **(مولوی)**  
 رأی دگران زدست مگذار **(نظمانی)**  
 مشورت رهبر صواب آید

## Break Time

## زنگ تفریح

- The gallows groan for you. کلهات بوی قرممه سبزی می دهد.
- صاحب فکر و اندیشه هستی، نترس و شجاع و «خطرباز» هستی.
- bloody - minded کله شق
- آدمی مغروف و زیر بار نزو؛ سمج. کمر کاری را شکستن.
- to break the neck of a task قسمت مهمی از کار را انجام دادن.
- Lookers - on see most of the game. کار گود نشسته می گوید: لینگش کن.
- فقط حرف می زند خودش مرد عمل نیست؛ خودش از بلا یا خطر دوری می کند و دیگری را به مداخله کردن تحریک می کند.

## 8. Two heads are better than one.

عقل قوت گیرد از عقل دگر. **(مولوی)**

(two people working together can solve a problem quicker and better than a person working alone)

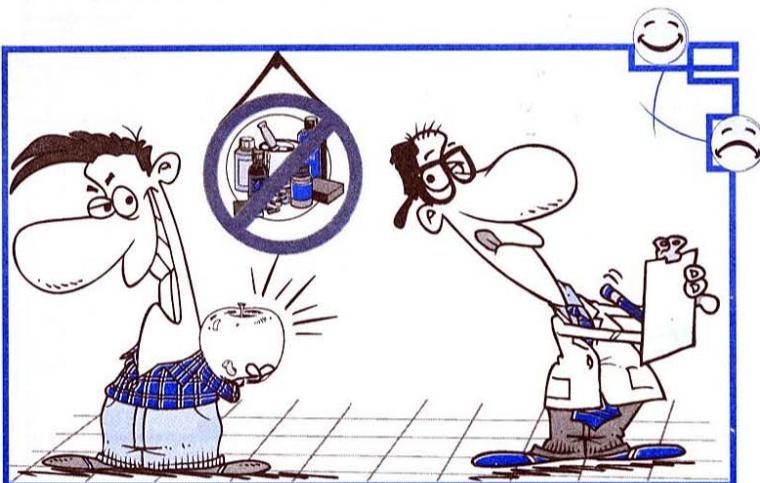
دو نفر که با هم کار کنند، با مشورت سریع تر و بهتر می توانند مشکل را حل کنند تا یک نفر به تنها!

## ضرب المثل های مشابه انگلیسی

- So many hands, so many wits.
- He that will not be counselled, cannot be helped.
- Four eyes see better than two.

## 10. An Apple a day keeps the doctor away.

روزی یک سیب بخور تا دکتر به سراغت نیاید.



(eating an apple every day helps a person to stay healthy)

خوردن روزی یک سیب به سالم ماندن انسان کمک می کند.

## 9. Two's company, but three's a crowd.

دو نفری مصاحب است، سه نفری مزاحمت.



(couples often enjoy their privacy and dislike having a third person around)

زوج هایی که با هم خلوت می کنند، دوست ندارند نفر سومی مزاحم خلوت آنها شود.

**Key Words**

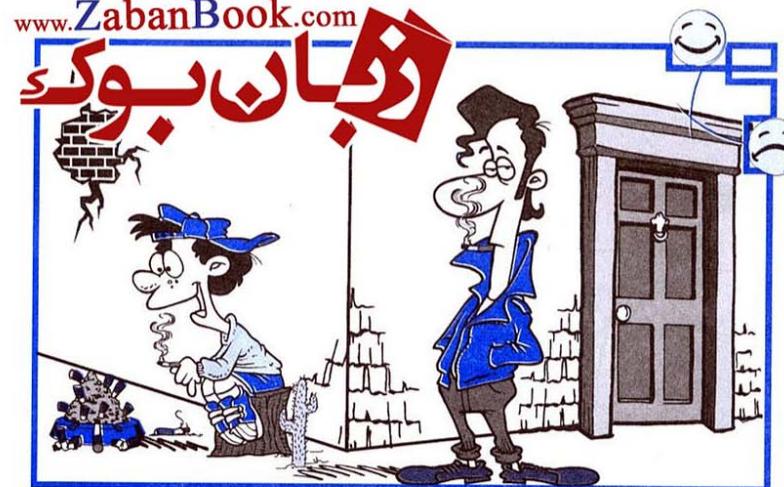
## كلمات کلیدی

flock	/flɒk US flæk/ v	دور هم جمع شدن؛ فوج فوج رفتن
● flock together		دور هم جمع شدن
feather	/'feðə(r)/ n	پر
goose	/gu:s/ n (pl) geese /gi:s/	غاز
like	/laɪk/ prep, v	(چیز، شخص) مثل، مانند؛ دوست داشتن
sheep	/ʃi:p/ n (pl) sheep	گوسفند؛ گوسفندان
unity	/ju:nəti/ n	اتحاد، وحدت
strength	/strenθ, strenθ/ n	قدرت
light	/laɪt/ adj	سبک
numbers	/nʌmbə(r)z/ n	عده‌ی زیادی؛ نفرات به تعداد زیاد
● in numbers		امنیت، اینمنی
safety	/seɪfti/ n	اتحاد
union	/ju:njən/ n	به دست آوردن
gather	/gæðə(r)/ v	[رود و غیره] به هم رسیدن، تلاقی کردن
meet	/mi:t/ v	خواستن، نیاز داشتن
take	/teɪk/ v	همنشینی، مصاحب؛ معاشران، دوستان
company	/kʌmpəni/ n	[مغازه، رستوران و غیره] داشتن
keep	/ki:p/ v	منعکس کردن؛ نمایان ساختن
reflect	/rɪ'flekt/ v	بدیختی، بیچارگی
misery	/'mɪzəri/ n	رنج؛ آندوه، غُصه
distress	/dɪ'stres/ n	بی غم
sorrowless	/'sorəʊləs/ adj	آشپز
cook	/kʊk/ v	فرو رفتن؛ [کشتی] غرق شدن
sink	/sɪŋk/ v	

**11. Do as I say, not as I do.**

بنگر که چه می‌گوید، منگر که، که می‌گوید.

www.ZabanBook.com



(follow my advice, but don't follow my example)

به نصیحت من گوش کن، از عمل من پیروی نکن.

خراب المثل‌های مشابه انگلیسی

- Do as the priest / preacher says, not he does.

خراب المثل‌های مشابه فارسی

بنگر که چه گفت: ننگر که گفت.

۲- معادل‌های انگلیسی ضربالمثل‌های زیر را بنویسید.

- خرمن سوخته، همه را خرمن سوخته خواهد.
- هیچ جا، خانه‌ی خود آدم نمی‌شود.
- بنگر که چه می‌گوید، منگر که، که می‌گوید.

۳- معادل‌های فارسی ضربالمثل‌های زیر را بنویسید.

- Birds of a feather flock together.
- A man is known by the company he keeps.
- Two heads are better than one.

## Break Time

## زیگ تفریح

- He who hangs up his fiddle when he comes home.

کوچه روشن کن و خانه تاریک کن.

- کنایه از مردی است که در خانه خود تندخو و بدرفتار و در خارج از منزل خوشخوی و خوشرفتار باشد.

- A wool seller knows wool buyer.
- نفهمد با مردمی که دائم سر و کار دارد چگونه برخوردي به کار برد.

- Friends may meet, but mountains never greet.

کوه به کوه نمی‌رسه آدم به آدم می‌رسه.

● انسان‌ها به کمک و مساعدت یکدیگر نیازمندند، گذر پوست به دباخانه می‌افتد.

- He strains at a gnat and swallows a camel.
- گاه از سوراخ سوزن تو می‌رود و گاه از در دروازه تو نمی‌رود.

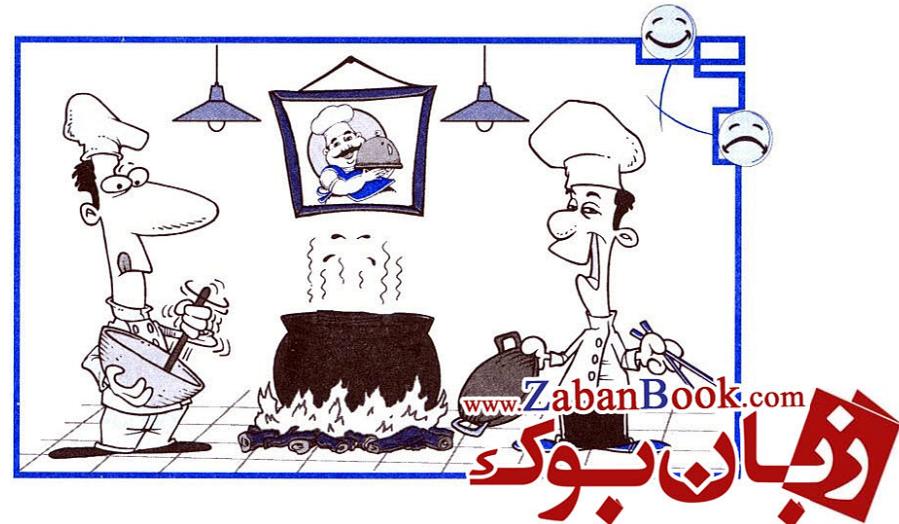
● روش مشخص و معینی ندارد و کارش افراط و تغیریط است. همانند: میل و مناره را نمی‌بیند و ذره را در هوا می‌بینند.

agree	/əgri:/ v	با هم ساختن، توافق داشتن
pot	/pɒt US pa:t/ n	قابلمه؛ ظرف
poor	/pʊ:(r) US pʊər/ n	بد، نامرغوب
spoil	/spoɪl/ v	خراب یا ضایع کردن
wit	/wɪt/ n	عقل، شعور، فهم
counsel	/kaʊnsl/ v	مشورت کردن
keep away	/ki:p ə'wei/ phr v	دور کردن
priest	/pri:st/ n	کشیش
preacher	/pri:tʃə(r)/ n	واعظ، مبلغ مذهبی

## Test Yourself



۱- تصویر زیر مربوط به کدام ضربالمثل است؟



1. Two heads are better than one.
2. Two's company, but three's a crowd.
3. Too many cooks spoil the broth.

# زبان بوک